

Anthropological Principles of Resistance Theology in the Idea of Imam Mousā Sadr¹

Ahmad Biglari¹

1. Assistant Professor, Department of Political Science, Faculty of Administrative Sciences and Economics, Arak University, Arak; a member of the political studies association of the domain, Qom, Iran. a-biglari@araku.ac.ir

Abstract

The present study with the purpose of achieving anthropological principles of resistance, aims to answer this question using a semantic method: what is Imam Mousā Sadr's interpretation of Islamic theology in order to form the concept of resistance? It seems that he offers a humanistic interpretation of Islamic theology in which mankind as the central word, in relation to other words such as dignity, development, faith, and citizenship, creates a circle that has resistance in its semantic magnitude. By presenting a contemporary perception of Islamic theology evolved in the multicultural social context of Lebanon, he designed a network of concepts in which resistance can be studied in terms of both the Islamic classic ideology as well as the new concept of resistance.

Keywords: Social Theology, Political Theology, Resistance Theology, Imam Mousā Sadr, Citizenship, Human Dignity, Anthropological Principles, Resistance.

1. Received: 2022/04/19 ; Revised: 2022/05/05 ; Accepted: 2022/06/15 ; Published online: 2022/06/22

DOI: 10.22034/sm.2022.553984.1886

© the authors

<http://sm.psas.ir>

Publisher: Political Studies Association of the Seminary



مبانی انسان‌شناختی الهیات مقاومت در اندیشه امام موسی صدر^۱

احمد بیگلری^۱

۱. استادیار، گروه علوم سیاسی، دانشکده علوم اداری و اقتصاد، دانشگاه اراک، اراک؛ عضو انجمن مطالعات سیاسی حوزه، قم، ایران. a-biglari@araku.ac.ir

چکیده

نوشتار حاضر با هدف دستیابی به مبانی انسان‌شناختی مقاومت، تلاش دارد با روشی معناشناسانه، به این پرسش پاسخ دهد که امام موسی صدر چه تئوریه‌ای از الهیات اسلامی در راستای صورت‌بندی مفهوم مقاومت ارائه داده است؟ به نظر می‌رسد ایشان تقریری انسان‌گرایانه از الهیات اسلامی به دست می‌دهد که در آن، انسان به عنوان کلمه کانونی، در نسبت با کلمات کلیدی کرامت، پیشرفت، ایمان و شهروندی میدانی را پدید می‌آورد که مقاومت در مغناطیس معنایی آن قرار می‌گیرد. ایشان با ارائه تقریری معاصر از الهیات اسلامی که در بستر جامعه چندفرهنگی لبنان تکوین یافته، شبکه مفاهیمی را طراحی نموده که در آن، مقاومت را می‌توان هم بر مبنای اندیشه کلاسیک اسلامی و هم بر مبنای مفهوم جدید مقاومت، مورد مطالعه قرار داد.

واژه‌های کلیدی: الهیات اجتماعی، الهیات سیاسی، الهیات مقاومت، امام موسی صدر، شهروندی، کرامت انسان، مبانی انسان‌شناختی، مقاومت.

۱. تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۱/۳۰؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۱/۰۲/۱۵؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۳/۲۵؛ تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۰۴/۰۱

۱. مقدمه

آیت‌الله سید موسی صدر، معروف به امام موسی صدر از جمله متفکران و اندیشمندان مسلمان در دوره معاصر است که پس از اتمام دوران تحصیل در ایران و عراق، در سال ۱۳۳۸ شمسی با هدف رسیدگی به امور شیعیان لبنان و نیز تبلیغ مکتب اهل‌بیت(ع) در این کشور، به آنجا عزیمت نمود.^۱ در این راستا، تلاش‌های خستگی‌ناپذیر وی سبب گردید تا شیعیان لبنان به نوعی آگاهی جمعی نایل آیند و یکی از هسته‌های جامعه مقاوم براساس آموزه‌های اسلامی- شیعی را پدید آورند. در ادامه این روند، بسیاری از دیگر گروه‌ها و جماعات مذهبی، قومی و نژادی لبنانی هم، به خصوص به دلیل نوع منش و سلوک عملی امام صدر و پیروانش، در مسیر شکل‌گیری یک جامعه مبتنی بر مقاومت گام نهادند.

امام صدر از منظومه فکری منسجمی برخوردار بوده است. این منظومه، خوانشی معاصر و امروزی از آموزه‌های اسلامی و شیعی بوده که در مواجهه با نظام معنایی مدرن، تلاش نموده با بازخوانی مفاهیم اسلامی و شیعی، بنیانی فکری تأسیس نماید تا از این رهگذر، زیست مؤمنانه انسان معاصر را در راستای تشکیل جامعه‌ای ایمانی و مقاوم در برابر دشمن صهیونیستی تبیین نماید. از سوی دیگر، دشمنان مقاومت تلاش می‌کنند از طریق ایجاد تصویری همراه با خشونت از اقدامات جریان و محور مقاومت در جهان اسلام، «خشونت» را به یکی از مؤلفه‌های معنایی مقاومت در سطح ادراکی بدل نمایند. لذا، تبیین مبانی اصیل مقاومت اسلامی امری به‌شدت ضروری است.

امام موسی صدر در مدت بیست سال حضور در لبنان، علاوه بر اقدامات عملی در راستای وحدت جامعه و تقویت جایگاه شیعیان در این کشور، به مناسبت‌های مختلف از طریق سخنرانی‌ها، درس‌گفتارهای تفسیر قرآن و... برای مخاطبان گوناگون، منظومه‌ای فکری را تبیین نمود. در این منظومه، مفاهیمی از نظام معنایی اسلامی برجسته گردید و در نسبت با برخی مفاهیم و نشانه‌های نظام معنایی جدید در عرصه هستی، انسان، جامعه، دین و... شبکه‌ای از مفاهیم را پدید آورد که یکی از آن‌ها، «مقاومت اسلامی» است.

اساساً مفهوم مقاومت و به طور خاص امروزه، مقاومت اسلامی یکی از مفاهیم ذوابعد و پیچیده و

۱. برای آگاهی بیشتر بنگرید به: مقدمه یعقوب حسن ظاهر در *مسیرة الإمام السید الصدر*، ج ۱، ۲۰۱۴م.؛ همچنین به وبسایت

دارای لایه‌های معنایی متعددی بوده که از پتانسیل بالایی در راستای کنش‌آفرینی برخوردار است. به تعبیر محققان حوزه «تاریخ مفاهیم»^۱، مقاومت را می‌توان «مفهومی بنیادین»^۲ دانست که علاوه بر بازتاب تحولات سیاسی و اجتماعی، آفرینش‌گر هم است (مسعودی، ۱۴۰۱: ص ۲۶۴). مفاهیم بنیادین، مفاهیمی هستند که در یک زمان خاص باید وجود داشته باشند و در غیاب آن‌ها دیگر نمی‌توان واقعیت اجتماعی و سیاسی را شناسایی و تفسیر نمود (Muller, 2014: p. 83-84).

با این تفصیل، باید دید مفهوم مقاومت در نظام معنایی امام موسی صدر را براساس چه مبانی‌ای می‌توان تبیین کرد؟ نوشتار پیش‌رو می‌کوشد با بهره‌گیری از رویکردی معناشناختی، با برجسته کردن مفاهیم کلیدی در آثار برجای مانده از امام موسی صدر، میدان‌های معنایی آن‌ها را بررسی نموده و نحوه تکوین پایه‌های الهیاتی مقاومت را دنبال نماید.

در بررسی و خوانش آثار امام موسی صدر باید گفت که «انسان» به‌مثابه واژه‌ای کانونی در منظومه فکری ایشان قرار می‌گیرد که براساس مؤلفه‌هایی همچون «برخورداری از کرامت» و «خلیفه‌الله بودن» در مسیر «پیشرفت»، گام برمی‌دارد. این پیشرفت توأم با عنصر «ایمان» در معنایی عام‌تر از برداشت کلاسیک شیعی و اسلامی است. بدین ترتیب، امکان همبستگی اجتماعی و شکل‌گیری جامعه‌ای ملی و مبتنی بر ایمان در لبنان فراهم می‌گردد که «جامعه‌ای مقاوم» است.

۲. پیشینه تحقیق

آثار متعددی به خصوص طی دو دهه اخیر درباره اقدامات، آثار و اندیشه‌های امام موسی صدر به فارسی، به رشته تحریر درآمده است. با این حال، درصد بالایی از این نوشته‌ها، به نوعی به سرگذشت و اقدامات ایشان مربوط می‌گردد. تعدادی هم به اندیشه‌های دینی، اجتماعی و سیاسی امام موسی صدر به طور کلی پرداخته‌اند. در این میان، با تأکید بر موضوع این نوشتار، آثاری وجود دارند، از جمله:

لکزایی (۱۳۹۹)، در کتابی تحت عنوان درآمدی بر اندیشه سیاسی امام موسی صدر، به مقولاتی در این خصوص پرداخته است که البته موضوع مقاومت را به طور خاص شامل نمی‌شود. همچنین ایشان (۱۳۸۴)، در مجموعه مقالاتی، به طور کلی به اندیشه سیاسی امام موسی صدر ورود کرده‌اند.

1. History of Concepts

2. Basic Concepts

آجورلو (۱۳۹۴)، در مقاله‌ای به دنبال شناخت دیدگاه امام موسی صدر درباره اندیشه صهیونیسم و راه‌های مواجهه با آن، به مؤلفه‌های اندیشه صهیونیسم همچون نژادپرستی، توسعه‌طلبی، تروریسم و... از نگاه او می‌پردازد و راه‌کارهای ایشان برای مواجهه با آن را بیان می‌کند. یکی از این راه‌کارها، تشکیل جامعه مقاوم است که در حد یک بند صرفاً توصیف می‌گردد.

دهقانی فیروزآبادی و آجورلو (۱۳۹۱)، در مقاله‌ای به بسط مفهوم جامعه مقاوم پرداخته‌اند. در این اثر اشاراتی اندک به امام صدر به عنوان یکی از کسانی که مفهوم جامعه مقاوم را طرح نموده است، وجود دارد.

۳. مبانی مفهومی

۳-۱. مقاومت

مقاومت همواره دال بر ایستادگی در برابر نوعی روابط سلطه‌جویانه است. این روابط سلطه‌جویانه ابتدا در نوع روابط میان سرزمین‌های تحت اشغال و قدرت‌های اشغال‌گر یا استعمارگر اعم از دولت، گروه و... به ذهن متبادر می‌گردد. بنابراین، مخالفت با تحمیل یک فکر یا فعل، از مؤلفه‌های معنایی مقاومت است. البته این مخالفت به مرحله عمل و کنش می‌رسد و می‌توان مقاومت را بر هر نوع استفاده مشروع از همه ابزارها اعم از مسلحانه و غیرمسلحانه در برابر روابط سلطه‌جویانه اطلاق کرد. در واقع، مقاومت، واکنشی به ظلم و ستم بوده که بر یک‌سری اصول مبتنی است (ابوکریم، ۲۰۱۶م: ص ۶). این اصول می‌تواند از مبانی دینی و مذهبی، اخلاقی و نیز حقوقی ناشی شود. با این توضیح، مقاومت به مثابه یک «حق» تلقی می‌شود که ذی‌حق آن، شخص، گروه یا جامعه‌ای است که برخی از حقوقش نقض شده و چاره‌ای جز مقاومت برای عبور از این وضعیت ندارد. البته باید در نظر داشت که مقاومت به مثابه یک حق، در پارادایم مدرن بیشتر معنی می‌یابد. اما مقاومت در معنای ایستادگی در مقابل استبداد و خودکامگی در پارادایم قدیم به معنای فتنه و آشوب تلقی می‌شود. البته می‌توان اندیشه سیاسی شیعه را از این امر تا حدودی مستثنی کرد.

۳-۲. مقاومت اسلامی

در اندیشه سیاسی اسلامی، مقاومت در برابر بیگانگان، تکلیفی الهی به‌شمار می‌رود که هدف از آن دفاع از دین و جامعه مسلمانان و دولت اسلامی است. با این حال، و با وجود اینکه مقاومت اسلامی، مفهومی قرآن‌پایه است، واژه مقاومت در قرآن به کار برده نشده است. اما از ریشه «ق.و.م» تعابیر فعلی همچون «فاستقم كما أمرت...» (هود، ۱۱۲) در قرآن وجود دارد که استقامت از آن برمی‌آید. در هنگام مواجهه با

مفاهیم اجتماعی و سیاسی در قرآن کریم، نوعی سطحی‌نگری دیده می‌شود. همان‌طور که برخی نویسندگان به‌درستی متذکر شده‌اند، در بررسی مفهوم مقاومت هم این مسأله به چشم می‌خورد. مثلاً در تفسیر آیات مقاومت، بیشتر بر روش مقاومت تکیه شده است و نه مبانی آن. از این‌رو، غالب ادبیات تولیدشده در این حوزه، بر جنگ و ایستادگی در مقابل دشمن و مهاجم تأکید دارد. این در حالی است که دامنه مفهوم مقاومت در قرآن کریم بسیار گسترده است (زاهدی‌تیر و امین ناجی، ۱۳۹۸: ص ۲۲۲). مقاومت دربرگیرنده پایداری در برابر هر نوع عامل بیرونی و درونی است. بنابراین، مقاومت صرفاً وجه قتالی ندارد، بلکه ابعاد گوناگون فرهنگی و تربیتی و... را هم دربرمی‌گیرد (میرقادری و کیانی، ۱۳۹۱: ص ۷۱).

اما مقاومت اسلامی، خود تعبیر جدیدی است که طی چند دهه گذشته شکل گرفته و در سال‌های اخیر بر بسامد آن افزوده شده است. این تعبیر بیشتر ناظر بر مواجهه جهان اسلام با نظام سلطه و استکبار به طور عام، و به ویژه در موضوع فلسطین است. عباراتی همچون «محور مقاومت»، «راهبرد مقاومت» و «جریان مقاومت» در برخی از لایه‌ها و سطوح معنایی مفهوم مقاومت اسلامی، تعبیری نو به‌شمار می‌روند که البته هنوز دارای ابهام هستند.

۳-۳. الهیات مقاومت

به طور کلی، الهیات به‌مثابه یک دانش، خود نوعی کنش و فعالیت است. به تعبیر برخی محققان، الهیات نوعی فعالیت ایمانی است. این دانش همواره در درون یک جامعه دینی شکل می‌گیرد و بیانگر ایمان شخص الهیدان و جامعه اوست. به بیان قدیس آنسلم، «الهیات، شناخت ایمان‌جویانه است» (همتی، ۱۳۹۰: ص ۲۸). اما الهیات مقاومت (تعبیر از نگارنده) را شاید بتوان بخشی از «الهیات سیاسی» در نظر گرفت که از موضعی الهیاتی و ایمان‌جویانه به دنبال بررسی مسأله مقاومت است. علی‌القاعده این برداشت از مقاومت به حیطه عمل و کنش اجتماعی هم وارد می‌شود. امیرالمؤمنین (ع) ایمان را دارای ارکان چهارگانه‌ای می‌داند که در نهایت به عرصه عمل تسری می‌یابد (الرضی، ۱۳۹۵: ص ۴۷۳-۴۷۴).

۳-۳-۱. الهیات سیاسی

اولین بار، اصطلاح الهیات سیاسی را اندیشمند و حقوق‌دان آلمانی، کارل اشمیت^۱ (۱۸۸۸-۱۹۸۵م)

1. Carl Schmitt

با رساله‌ای به همین عنوان در سال (۱۹۲۲م) به‌کار برد. اما تا دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰، جدی گرفته نشد. از این پس بود که الهیات سیاسی به عنوان واکنشی به تفسیرهای اگزیستانسیالیستی مسیحیت مطرح گردید. برخلاف نگاه‌های اگزیستانسیالیستی، الهیات مسیحی بر آن است که باید جامعه جدیدی تحقق یابد. هرچند که فرد، مورد خطاب دین قرار می‌گیرد، اما چون فرد در یک محیط اجتماعی زندگی می‌کند، از طریق او به جامعه خطاب می‌شود. بنابراین، خدای انجیل، خدایی غیرسیاسی و بی‌تفاوت نسبت به وضعیت بشر نیست، بلکه خدایی است که علیه ستمگران مبارزه می‌کند (یون، ۱۳۷۹: ص ۱۷۵).

الهیات سیاسی دانشی است که به دنبال یافتن بنیان‌های الهیاتی در سیاست و نحوه تبیین الهیاتی امر سیاسی است؛ در واقع، مفروض الهیات سیاسی آن است که در چگونگی صورت‌بندی امر سیاسی نزد هر متفکر و اندیشمند سیاسی، بنیان‌های الهیاتی به‌خصوص نحوه نگرش به نسبت انسان با خداوند و جهان، اثر مهمی دارد. از این رو، با عنایت به نحوه تبیین نسبت خداوند، انسان و عالم هستی، در ادیان و مذاهب گوناگون، می‌توان از الهیات‌های سیاسی سخن گفت.

۴. الهیات انسان‌گرایانه امام موسی صدر

امام موسی صدر را می‌توان اندیشمندی دانست که به‌نوعی نقطه عزیمت فکر او انسان است. او انسان را از یک زاویه دید توحیدی و اسلامی به شکلی منعطف و گسترده می‌نگرد. این نکته را در بسیاری از آثار و سخنرانی‌های ایشان به‌خوبی می‌توان دریافت. به عنوان نمونه، در عنوان برخی آثار نظیر «ادیان در خدمت انسان»، «کرامت انسان»، «انسان آسمان» و... محوریت بحث انسان در نظام فکری امام صدر به‌خوبی نمایان است. البته باید توجه داشت که تلقی انسان‌گرایانه امام صدر از دین با انسان‌محوری^۱ و نگاه‌های کارکردگرایانه به دین تمایز آشکاری دارد. در اینجا ضروری است تا نگرش امام موسی صدر به جایگاه انسان در نظام معنایی اسلامی مورد بررسی قرار گیرد.

۴-۱. انسان خلیفه‌الله

همان‌گونه که قرآن کریم تصریح دارد: «إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً» (بقره: ۳۰)، امام صدر نیز معتقد است که انسان، خلیفه و جانشین خداوند بر روی زمین و عالم ماده است. راز این خلیفه بودن، مسئولیت،

آگاهی و قدرت تصرف انسان در زمین است، به‌گونه‌ای که اهداف خداوند را با آگاهی و مسئولیت خود محقق نماید. این مسئولیت و آگاهی به معنای اختیار انسان در انتخاب راه خیر و شرّ بوده، و معنای خلیفه بودن انسان همین است. از این منظر، هر فرد انسان نیکوکار، به‌تنهایی معادل موجودات مادی و بسیاری از موجوداتی است که نمی‌توانند با مسئولیت خود در امور تصرف داشته باشند. لذا، تعلیم اسماء الهی به انسان به دلیل آن است که وی از ابزار و اسباب تصرف در زمین و انجام شأن خلیفگی خود برخوردار باشد. بنابراین، علم یعنی وسیله سیطره انسان بر موجودات؛ زیرا در صورت جهل، انسان از امور می‌هراسد و توانایی تصرف در آن‌ها را ندارد. انسان با توانایی خدادادی شناخت امور و تسلّط بر آن‌ها، و با اختیار برگزیدن خیر و شرّ و پذیرش مسئولیت آن، به کمال خود نایل گردیده، و این معنای خلافت و جانشینی او است (صدر، ۲۰۱۴م: ج ۱۰، ص ۱۰۱-۱۰۲).

واژه کانونی «انسان» در نظام معنایی امام صدر، میدانی را پدید آورده که در همنشینی با کلمه کلیدی «علم» در معنای توانایی تسلّط بر طبیعت، در پارادایم پوزیتیویستی جدید، باعث برجسته شدن مؤلفه‌هایی چون اختیار و آگاهی شده و پیامد آن، خوانشی از نشانه «خلافت انسان» است که از برداشت‌های عرفانی صرفاً معنویت‌گرای سنتی فاصله می‌گیرد. با این تلقی از خلافت انسان، کنش انسانی به‌خصوص در تقابل با نگاه‌های ساختارگرایانه، اهمیت می‌یابد. بدین ترتیب، امام صدر برای کنش انسانی جایگاه بالایی در نظر می‌گیرد و در بحث نسبت انسان و تاریخ، که بحثی متأثر از گفتمان چپ است، انسان را تنها محرک تاریخ می‌داند. انسان تنها قهرمان صحنه نمایش تاریخ است و با به جنبش درآوردن عالم، سبب تغییر در آن و تغییر تمدن‌ها می‌گردد. در واقع، انسان تاریخ را می‌سازد و تمدن‌ها را تحول می‌بخشد (صدر، ۲۰۱۴م: ج ۱۱، ص ۴۲۱). بدین ترتیب، انسان به عنوان جانشین خداوند و به حرکت درآورنده تاریخ، یکی از پایه‌های انسان‌شناختی مقاومت است که تسلیم نبودن در مقابل سلطه را اقتضاء می‌کند.

۴-۲. ایمان، پیشرفت و کرامت انسان

برداشت مدرن از کرامت انسان به معنای خودشکوفایی عقلانیت بشر می‌تواند با ایده پیشرفت به معنای تسلّط بر جهان با ابزار علم و تکنولوژی، در تعارض قرار گیرد و به تشدید روابط سلطه‌گرایانه منتهی گردد. این امر را می‌توان «پارادوکس کرامت» نام نهاد (بیگلری، ۱۴۰۰: ص ۳۶). امام صدر چگونه می‌تواند براساس مبانی الهیاتی- اسلامی از این پارادوکس عبور نماید؟ در نظام معنایی امام موسی صدر، واژه کلیدی «پیشرفت» عبارت است از نزاع میان زمان و انسان از ازل. بنابراین، کلمات «انسان»، «هستی»،

«علم»، «کار انسان» در نسبت با «زمان» در میدان معنایی پیشرفت قرار دارند. درگیری انسان با خودش و با طبیعت به گونه‌ای است که روزی بر همه نیروهای جهان غلبه خواهد یافت. از دیدگاه امام صدر، «در اینجا این پرسش مطرح می‌شود که آیا پیشرفت علمی در زندگی انسان معاصر، به راحتی، آسایش و خوشبختی او منجر خواهد شد و از نگرانی‌هایش خواهد کاست؟ آیا سبب نزدیک شدن قلب انسان به برادرش می‌گردد؟ امروز محنت‌ها و نگرانی‌های انسان، جنگ، استعمار و استثمار افزایش یافته و انسان معاصر غریب است و در غربت به تنهایی زندگی می‌کند» (صدر، ۲۰۱۴م: ج ۳، ص ۷۸). در اینجا می‌توان چنین استنباط کرد که یکی از پایه‌های روابط سلطه‌جویانه، دوری از خداوند، ایمان و دین است. در واقع، گرچه بشر معاصر به مدد پیشرفت علمی توانمند شده و اساساً شأن خلیفة‌اللهی انسان اقتضاء دارد که او قدرتمند باشد، اما در صورتی که در این رابطه، عنصر ایمان و دین وجود نداشته باشد، به روابط سلطه‌گرایانه منتهی خواهد شد. در سوی مقابل، مقاومت به عنوان امری برخاسته از ایمان در مقابل چنین روابط سلطه‌گرایانه و سلطه‌جویانه‌ای ضرورت می‌یابد.

اما برای پرهیز از اینگونه روابط سلطه‌آمیز (دارای دو طرف سلطه‌جو و سلطه‌پذیر) باید چه کرد؟ از نظر امام موسی صدر، نقطه عزیمت پیشرفت، سعی و تلاش انسان عبارت است از احساس او به اینکه از کرامت برخوردار است. انسان فاقد این احساس کرامت و عزت نفس، هیچ آرزویی ندارد. بنابراین، گام اول در راه اصلاح فرد و جامعه، آگاه ساختن انسان به کرامت او است. انسانی که به کرامت خود آگاه شود، در مورد آینده خود می‌اندیشد و به دنبال راه بهتری برای تأمین زندگی نیکو می‌رود. از سوی دیگر، کسی به سایر افراد احترام می‌گذارد و با آن‌ها به تعامل و دادوستد درست اجتماعی می‌پردازد که در درجه نخست، برای خود احترام و کرامت قائل باشد.

از این‌رو، در صورتی که افراد احساس کرامت نداشته باشند، به یکدیگر هم احترام نگذارده، و در نتیجه جامعه‌ای شکل نمی‌گیرد که اعضای آن با هم تعامل و همکاری داشته باشند. بنابراین، اساساً رسالت همه مصلحان و انبیاء آگاه‌سازی انسان به کرامت او است (صدر، ۲۰۱۴م: ج ۱۱، ص ۴۲). بدین ترتیب، جامعه امری است که بر پایه روابط احترام‌آمیز و مبتنی بر کرامت انسان به مثابه شهروند شکل می‌گیرد و در آن، شهروندان با یکدیگر تعاون دارند. همان‌طور که از عبارات فوق برمی‌آید، در منظومه فکری صدر، فرد انسان به رسمیت شناخته شده و امری اصیل تلقی می‌شود که جامعه را بر پایه روابط خود با دیگر افراد بنا می‌نهد.

۴-۳. حقوق و کرامت انسان

اساساً حق‌های انسانی برای تأمین نیازهای گوناگون بشر به عنوان اموری مشروع پدید آمده‌اند. در نظام معنایی الهیاتی امام صدر، همه نیازمندی‌های انسان در تعالیم و آموزه‌های اسلام به رسمیت شناخته شده و بلکه تقدیس شده است. در واقع، «اسلام به جمیع این نیازمندی‌ها اشاره کرده و آن‌ها را در شمار نعمت‌های الهی قرار داده و احکام خود را بر پایه هدایت و برآوردن این رغبات و تمایلات وضع کرده است» (صدر، ۱۳۸۳: ص ۹۰). از همین‌رو است که تلاش برای پاسخ به تمایلات به صورت مشروع، عبادت تلقی می‌شود. از نظر امام صدر، این آموزه مبتنی بر اصل حرمت و کرامت انسان است. اما این کرامت نه امری طبیعی و به خاطر جسم و بدن مادی انسان، بلکه امانتی الهی است که به وی عاریت داده شده است (صدر، ۱۳۸۳: ص ۹۳-۹۰).

در نظام فکری صدر، جامعه درست که حقوق شهروندی و کرامت انسان در آن رعایت می‌گردد، آن است که بر مبنای ایمان استوار باشد. ایمان یعنی پیوند میان خدا و انسان در یک حضور پیوسته و دائم، که غیاب آن، سبب اختلال در همه سیستم‌ها و نظامات عصر کنونی است. اساساً بی‌ایمانی علت جنگ‌ها و مصائب بشری است و تا ایمان به حیات و تمدن بشری بازنگردد، صلحی پدید نخواهد آمد (صدر، ۲۰۱۴م: ج ۵، ص ۱۹۷). امام موسی صدر با این استدلال به نفی نظام طائفه‌گرایانه می‌پردازد. او معتقد است «دین حقیقی طائفه‌گرایی و ماده‌گرایی را به رسمیت نمی‌شناسد» (صدر، ۲۰۱۴م: ج ۳، ص ۳۸). اما از سوی دیگر، وجود طوائف گوناگون در لبنان را خیر محض می‌داند و تنها به نفی طائفه‌گرایی که با هم‌زیستی مسالمت‌آمیز مانع‌الجمع است، می‌پردازد. در واقع، ایشان نظام طائفه‌گرا و به‌خصوص نظام سیاسی طائفه‌گرا را نفی می‌کند که به تبعیض ناروا میان اقوام و طوائف می‌انجامد. امام موسی صدر حتی اسرائیل را به عنوان موجودیتی درنظر می‌گیرد که بر مبنای تبعیض نژادی و مذهبی شکل گرفته و می‌خواهد لبنان را که به عنوان کشور نماد و الگوی همزیستی مسالمت‌آمیز پیروان ادیان به‌شمار می‌رود، از بین ببرد تا موجودیت خود را توجیه نماید. بنابراین، بر ضرورت وحدت ملی میان لبنانی‌ها در عین تکثر فرهنگی، دینی، مذهبی و طائفه‌ای تأکید می‌نماید (صدر، ۲۰۱۴م: ج ۸، ص ۱۱۳). در واقع، اسرائیل بر پایه فردگرایی خودخواهانه شکل گرفته و کیانی است که چندفرهنگی بودن را به عنوان بنیان حیات اجتماعی و سیاسی لبنان تهدید می‌نماید.

۴-۴. آزادی در مقابل انانیت

از دیدگاه امام موسی صدر، آزادی، شرط مناسب برای رشد نیروها و انرژی‌های انسان و شکوفایی او

است. بنابراین، ایجاد شرایط و فرصت‌های مناسب، جهت بروز و شکوفایی آزادی مردم، ضروری است. در سطح ملی، عدم آزادی به معنای استبداد، و در سطح فراكشوری، به معنای استعمار است. اساساً متهم کردن مردم به این‌که فهم و درک درستی ندارند و ادعای وصایت بر آن‌ها، از نظر امام صدر نوعی «تروریسم فکری»^۱ است. یکی از جلوه‌های استعمار نوین که بر سر راه استیفای حقوق افراد و ملت‌ها مانع ایجاد می‌کند، فشار اقتصادی، فرهنگی، یا فکری است. امام موسی صدر بر این باور است که این مسأله نوعی سیاست بی‌توجهی و نادیده‌انگاری بوده که فرصت را از برخی از مردم و مناطق گرفته است. بنابراین، سلب آزادی‌ها و از بین بردن انرژی‌ها و نیروهای مردم، نقض حقوق شهروندی و انسانی به‌شمار می‌رود (صدر، ۲۰۱۴م: ج ۵، ص ۱۹۷-۱۹۶).

در نظام معنایی امام موسی صدر، حبّ ذات، منبع انرژی و تلاش انسان در جهت کمال است؛ اما هنگامی که در فرد انسان، خودپرستی رشد یابد، مشکل به وجود می‌آید. این مفهوم، میدانی را پدید می‌آورد که از کوچک‌ترین واحد اجتماعی، یعنی خانواده تا جامعه بین‌المللی را در مسأله تبعیض نژادی و نزاعات ویران‌گر درگیر می‌سازد. در واقع، همه انواع منازعات و خشونت‌ها به‌مثابه دواپیری متحدالمرکز هستند که خودپسندی و خودپرستی در کانون آن قرار دارد.

امام صدر از این مفهوم با عنوان «انانیت» که مفهومی کلیدی در ساحت اخلاق به‌شمار می‌رود، یاد می‌کند. بنابراین، انانیت که مفهومی در ساحت اخلاق فردی است، توسط ایشان به فضای اخلاق اجتماعی بسط داده می‌شود و حوزه مفهومی آن گسترده‌تر می‌گردد، به‌گونه‌ای که قبیله‌گرایی و طایفه‌گرایی ستم‌گرانه هم در میدان معنایی آن قرار می‌گیرد. در همین راستا، امام صدر برداشت منفی از ملی‌گرایی^۲ را هم مطرح می‌نماید که در آن نوعی ملت‌پرستی در مقابل انسان‌گرایی وجود دارد. در مقابل، از ملی‌گرایی مثبت هم دفاع می‌کند و آن را یکی از شریف‌ترین احساسات انسانی برمی‌شمارد؛ اما هنگامی که به نوعی ملی‌گرایی مبتنی بر نژادپرستی مبدل گردد، به‌طوری که فرد به جای پرستش خداوند، وطنش را بپرستد، و شکوه وطنش را به قیمت ویران کردن سایر سرزمین‌ها دنبال کند، این امر منفی است (صدر، ۲۰۱۴م: ج ۵، ص ۱۹۸-۱۹۷).

۱. الإرهاب الفکری

۲. الوطنية الأنانية

بنابراین، این مسأله در بحث از مبانی انسان‌شناختی سلطه به‌مثابه پادمفهوم^۱ مقاومت اهمیت دارد. از دیدگاه امام صدر، بت اکبر، یعنی «انانیت»، یکی از موانع هدایت مردم و ایجاد یک جامعه صحیح است. از همین رو، پیامبر اکرم (ص) مبارزه با نفس را «جهاد اکبر» دانسته‌اند. قرآن کریم نسبت به کسی که هوای نفسش را خدای خود قرار داده، هشدار می‌دهد (جائیه: ۲۳). پس، نقش فرد و مبارزه با خودخواهی‌ها و معایب اخلاقی و نفسانی او در الهیات اجتماعی امام موسی صدر برجسته است (صدر، ۲۰۱۴م: ج ۱، ص ۵۸-۵۹).

۴-۵. شهروندی، همزیستی و همبستگی ملی

شهروندی که بر مبنای همزیستی در یک سرزمین و عضویت در یک جامعه سیاسی استوار است، یکی از شروط لازم برای تشکیل یک «جامعه مقاوم» است. در حوزه واژه شهروندی و مشتقات آن در ادبیات امام موسی صدر، این مفهوم را بیشتر در میدان معنایی واژه «وطن» مشاهده می‌کنیم. وی در جاهای متعددی مردم لبنان را به عنوان «شهروندان»، «شهروندان عزیز»، «برادران شهروند» و... خطاب می‌نماید (صدر، ۲۰۱۴م: ج ۸، ص ۱۱۱-۱۱۴). او در میدان معنایی وطن، انسان و شهروند و رابطه میان انسان و خدا را در حوزه روابط انسان‌ها با یکدیگر و در مقابل دشمنان، به‌خصوص اسرائیل، به عنوان نماد نژادپرستی و تهدیدی برای تمامیت ارضی و سبک زندگی لبنان ترسیم می‌نماید. در این حوزه معنایی، واژگانی نظیر «همزیستی»، «گفتگو»، «همبستگی ملی» و «وحدت ملی» کلماتی کلیدی به‌شمار می‌روند. در منظومه فکری امام موسی صدر، عنصر انسان و ایمان از جایگاه برجسته‌ای برخوردار است و شهروندی، حاصل پیوند این دو مقوله با عنصر وطن به‌شمار می‌رود.

از زاویه دید امام موسی صدر، وحدت ملی به معنای احساس و آگاهی فرد نسبت به وطنش در صورتی پدید می‌آید که اهداف و دل‌های هم‌وطنان یکی شود؛ بدین معنا که در زمینه حفظ این وطن بتوانند با هم هم‌زیستی داشته باشند و اقداماتی که به آن لطمه بزند را کنار بگذارند. این همزیستی و «تعایش» از طریق گفتگو میان شهروندان که در لبنان، مسلمانان و مسیحیان هستند، پدید می‌آید. وی با توسعه مفهوم قرآنی «اخوت» که در اندیشه اسلامی صرفاً در میان مسلمانان به‌کار برده می‌شود، مسیحیان و اهل‌کتاب را هم برادر مسلمانان می‌داند؛ آن‌ها در سرزمین و وطن، در عربیت، و در ایمان با مسلمانان برادر هستند. از

این‌رو، پابندی به برادری و اخوت و روابط برادرانه با آن‌ها، یکی از پایه‌های روابط شهروندی خواهد بود (موسوی، ۲۰۱۰م: ص ۲۵۵). امام موسی صدر در مفهوم ایمان هم توسعه ایجاد کرده و به دلیل اعتقاد به وحدت ادیان از حیث جوهر اصلی، اهل کتاب را هم برادر ایمانی مسلمانان تلقی نموده است. صدر با یک نگاه واقع‌بینانه متوجه است که در صورت عدم پذیرش پیروان سایر ادیان و فرق، اساساً سرزمینی به نام لبنان، به عنوان شرط لازم و ضروری هر نوع رابطه اجتماعی، وجود نخواهد داشت. بنابراین، به شدت بر وحدت ملی و انسجام داخلی لبنان تأکید دارد و بدون آن، امکان برآورده شدن حقوق شهروندی را میسر نمی‌داند.

امام موسی صدر تلاش دارد یک الهیات انسانی پایه‌گذاری نماید که در آن، ادیان در خدمت انسان هستند و امکان زیست مؤمنانه او را در هر شرایطی فراهم می‌نمایند. با این همه، و با وجود توسعه امام صدر در مفهوم ایمان به پیروان سایر ادیان الهی، اما وی به شدت با «الحاد» مبارزه می‌نماید. در واقع، به دلیل تسلط گفتمان‌های مارکسیستی ماتریالیستی در جهان عرب آن موقع، بسیاری از مفاهیم صدر را باید به مثابه پادمفاهیم نشانه‌های موجود و مسلط در نظام معنایی زمانه تفسیر کرد.

اساساً واژه «سکولاریسم»^۱ هم در اندیشه صدر در میدان معنایی الحاد فهمیده می‌شود. الحاد نه تنها به معنای انکار خدا، بلکه به معنای نادیده گرفتن او در عرصه حیات اجتماعی انسان است. امام صدر، اندیشه‌ها و نظام‌های کمونیستی را به سبب انکار خدا، و اندیشه‌های لیبرال غربی را به دلیل کنار گذاردن و نادیده گرفتن خدا مورد نقد قرار می‌دهد. با این وجود، وی به واقعیت‌های زمانه توجه دارد و علت کنار گذاردن دین را نه در اصل تعالیم آن، بلکه به دلیل خالی شدن از محتوا و باقی ماندن پوسته دین می‌داند. از منظر امام موسی صدر، دین در حال حاضر از محتوای خود تهی شده، و تنها صورتی از آن باقی مانده است که آن هم جنبه تزئینی دارد و از امکان اثرگذاری در جامعه برخوردار نیست. بنابراین، تنها شعارهای دینی وجود دارند و در بهترین حالت، دین جاده‌صاف‌کن مرگ است. از دیدگاه امام صدر، دین در فطرت بشر وجود دارد، اما در فضای نامناسب زمانه، غبار مانع توجه انسان به آن می‌گردد. دین برخلاف عصر حاضر، در برانگیختن تاریخ و در تربیت انسان نقش اساسی داشته است. این در حالی است که در دوران کنونی، به دلیل بی‌توجهی به دین و کنار گذاشتن آن از عرصه حیات بشر، محنت‌ها و بلایای فراوانی گریبان‌گیر

انسان‌ها و جوامع شده است (صدر، ۲۰۱۴م: ج ۱، ص ۳۸۸-۳۸۶).

۴-۶. عدالت

از دیدگاه امام صدر، عدالت، خود یکی از ارکان و پایه‌های ایدئولوژی اسلامی است که بر سایر ارکان این ایدئولوژی اثری ژرف دارد. این مفهوم در همه زمینه‌ها اعم از فردی و اجتماعی جاری است. براساس اندیشه اسلامی، اساساً هستی بر پایه عدل استوار است. در واقع، در عالم تکوین عدل وجود دارد و لذا باید در حوزه تشریح هم این مسأله به عنوان یک میزان در سنجش اعمال مورد توجه قرار گیرد. پس، جهان بر حق و عدل استوار است و انسان برای رسیدن به سعادت باید در روش خویش عادل، یعنی همسو با هستی باشد، وگرنه موجودی بیگانه و رانده شده خواهد بود. این امر هم در سطح فرد و هم در سطح جامعه صادق است. چنین نگرشی به عدالت، خود برخاسته از ایمان به عدالت پروردگار است. در نظام معنایی امام صدر، اساساً ایمان بدون عدالت، معنایی ندارد. از سوی دیگر، تلاش و کوشش انسان در راه تحقق عدالت، ایمان او را نشان می‌دهد. در واقع، صدر در اینجا پیوندی میان کنش انسان، ایمان و عدالت برقرار می‌سازد که هیچ‌یک بدون دیگری، مفهومی نخواهند داشت. صدر معتقد است این‌که در بسیاری از عبادات اسلامی، عدالت شرط صحت عمل است، نشان‌دهنده رابطه ناگسستنی ایمان و عدالت است. این عدالت باید در عرصه زندگی فردی و اجتماعی انسان نمود داشته باشد (صدر، ۱۳۸۷: ص ۱۱-۶).

در الهیات اجتماعی امام موسی صدر، عدالت که از سطح افراد شروع می‌شود، درجات متفاوتی دارد و تحقق آن در جوامع محدودیت ندارد؛ زیرا عدالت وسیله‌ای است که تکامل انسان را فراهم می‌آورد و هدفی واسط محسوب می‌شود. بنابراین، عدالت با مقداری احساس فردی شروع می‌شود و سپس به کوشش روزافزون فرد بدل می‌گردد. در این روند، گروه یا اجتماع را هم که در دولت ملی نمود می‌یابد، دربرمی‌گیرد؛ تا جایی که به برابری میان افراد جامعه منجر می‌گردد. در این مرحله، نوعی تکافل، همبستگی و فداکاری در جامعه پدید می‌آید؛ و در نهایت، به صورت ایثار و از خودگذشتگی درمی‌آید. وی به احکامی چون زکات و اهمیت بیمه افراد فقیر به مثابه مسؤولیت جامعه در قبال نیازمندان در راستای تحقق عدالت می‌نگرد. البته فقری که ناشی از سستی و بطالت افراد نباشد (صدر، ۱۳۸۷: ص ۲۲-۱۸). با این همه، امام موسی صدر با نفی مفهوم مارکسیستی طبقه، معتقد است نباید مبنای تحلیل جامعه را براساس طبقات قرار داد و آن را به دو طبقه کارگر و سرمایه‌دار تقسیم کرد. وی این امر را از اختراعات و بدعت‌های فلاسفه مادی نظیر مارکس می‌داند و بر آن است که «تعبیر درست که باید به کار برده شود، عبارت است از تفاوت

شایستگی‌ها در جامعه شرقی» (صدر، ۲۰۱۴م: ج ۳، ص ۳۷). مبنای مقاومت در اندیشه اسلامی صدر به‌کلی با مبنای مقاومت در اندیشه‌های ماتریالیستی متفاوت می‌شود. این امر خود از مقوم‌های تکوین مفهوم مقاومت اسلامی است.

۷-۴. مقاومت مردم‌پایه و رسالت دین

یکی دیگر از مبنای الهیات اجتماعی صدر آن است که شکستن بتان به دست انبیاء الهی برای ایجاد جهانی واحد و جامعه بهتر، دیگر قیود را هم فراگرفته و می‌گسلد. بنابراین، اولین پیام این آموزه، آن است که نظام فاسد، تنها بر اثر مستقیم عمل و نحوه سلوک مردم پدید می‌آید؛ و اگر آن‌ها بخواهند می‌توانند نظام بهتری را به وجود بیاورند. وی با استناد به آیات شریفه ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا بَقِيَهُمْ﴾ (رعد: ۱۱) و ﴿ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ﴾ (روم: ۴۱) چنین تفسیری اجتماعی و اراده‌گرایانه از قرآن و دین ارائه می‌نماید. امام موسی صدر با استناد به آیه شریفه ﴿وَلَا تَرْكَنُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ...﴾ (هود: ۱۱۳) دومین پیام رسالت انبیاء را وجوب و ضرورت انقلاب در مقابل طغیان‌گران و ستمگران می‌داند. اساساً در منظومه فکری امام صدر، جایگاه عمل و تلاش انسان در عرصه هستی، بسیار برجسته است. وی با استناد به آیاتی از سوره نجم، ﴿وَأَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَىٰ وَأَنْ سَعِيهِ سَوْفَ يَرَىٰ...﴾ (نجم: ۳۹-۴۰)، اصل حیات انسان را در گرو میزان تلاش و بخشش او می‌داند. لذا، مرگ و فنا را هم از میان رفتن تلاش و کوشش آدمی معنا می‌نماید (صدر، ۱۳۸۳: ص ۳۱۷).

اما نقش و رسالت دین در این زمینه چیست؟ کانون و خط راهنمای اندیشه امام موسی صدر را که راهبرد تبلیغی خود را بر آن بنا نهاده، می‌توان در مبارزه با جهل، و آگاهی‌بخشی به مردم دانست. در این راستا او معتقد است که مردم فطرتاً دین دارند، اما موانعی در طول تاریخ، جلوی این شعور باطنی را گرفته و سبب انحراف آنان از مسیر درست شده است. طبیعت یکی از این موانع است که بشر به دلیل این‌که نمی‌توانسته بر آن فائق آمده و مسلط شود، از روی ترس، و در جستجوی امنیت و آرامش، به نیروهای طبیعی جنبه ماورائی داده و با پرستش آن‌ها و اشیائی که خود به عنوان بت می‌ساخته، نیاز خود را برطرف می‌کرده است. مانع دوم، طبقات اشراف و قدرتمند در جوامع بوده‌اند که سایر انسان‌ها به دلیل ترس، به آنان جنبه قدسیّت داده و فرمانبری می‌کرده‌اند. بنابراین، پیامبران برای برطرف کردن این موانع، از طریق آگاهی‌بخشی به انسان، از سوی خداوند فرستاده شده‌اند. بنابراین، سرّ دعوت اسلام به طلب علم، توانایی

استخدام طبیعت در راستای خیر انسان است. اسلام، انسان را فرامی‌خواند تا قفل‌های عالم طبیعت را با اندیشیدن و تجربه بگشاید، تا از این طریق، بساط خرافات جمع گردد (صدر، ۲۰۱۴: ج ۱، ص ۵۵-۵۴). به نظر ایشان، اساساً علم به‌مثابه چراغی روشن‌گر است که انسان را به فعل خداوند به عنوان آفریننده هستی و بزرگی او رهنمون می‌گردد (صدر، ۲۰۱۴: ج ۱، ص ۶۸).

۵. نتیجه‌گیری

مسأله مقاومت یکی از مسایل مهم اندیشه سیاسی است که سابقه‌ای دیرین دارد. با این حال، مفهوم مقاومت، مفهومی نوین به‌شمار می‌رود که از مؤلفه‌های معنایی متعددی تشکیل شده و در طول تاریخ اندیشه، در بستر فرهنگ‌ها و نظام‌های معنایی مختلف، بر لایه‌های معنایی آن افزوده شده است. در اندیشه سیاسی اسلامی هم «مقاومت مسلمانان در برابر سلطه کفار»، یک اصل به‌شمار می‌رود. با ورود مفاهیم و اندیشه‌های جدید به جهان اسلام، لایه‌های معنایی دیگری به مفهوم مقاومت افزوده شده است. سازواری این لایه‌های جدید در نظام معنایی اسلامی، نیازمند تبیین درست مبانی الهیاتی به ویژه مبانی انسان‌شناختی است. امام موسی صدر با هدف رسیدگی به امور شیعیان لبنان و ارتقای وضع اسفبار زندگی آنان، و نیز تبلیغ مکتب اهل‌بیت(ع)، به لبنان سفر کرد و تلاش‌های خستگی‌ناپذیر وی سبب گردید تا شیعیان لبنان به نوعی آگاهی جمعی نایل آیند و یکی از هسته‌های جامعه مقاوم براساس آموزه‌های اسلامی - شیعی را پدید آورند. در ادامه این روند، بسیاری از دیگر گروه‌ها و جماعات مذهبی، قومی و نژادی لبنانی هم، به خصوص به دلیل نوع منش و سلوک عملی امام صدر و پیروانش، در مسیر شکل‌گیری یک جامعه مبتنی بر مقاومت گام نهادند. امروزه جریان مقاومت اسلامی در لبنان و فلسطین وام‌دار تلاش‌های ایشان است.

با این همه، برای تداوم مقاومت به‌مثابه یک راهبرد، و نیز یک جریان، نیازمند مبانی فکری هستیم. امام صدر با ارائه تقریری معاصر از الهیات اسلامی که در بستر جامعه چندفرهنگی لبنان تکوین یافته، منظومه‌ای فکری به دست داد که به مبنایی برای مقاومت اسلامی بدل گردید. این منظومه بر شبکه‌ای از مفاهیم مبتنی است که در این نوشتار تلاش شد تا خوانشی از تقریر امام از آن‌ها به‌مثابه «الهیات مقاومت» ارائه گردد. اولاً، باید دانست امام صدر یک خوانش انسان‌گرایانه (و نه انسان‌مدارانه) از الهیات اسلامی و شیعی ارائه می‌دهد که انسان واژه کانونی آن به‌شمار می‌رود. وی از فرد به عنوان هسته اولیه تشکیل جامعه شروع می‌کند و با تفسیری اجتماعی و معاصر از خلیفه‌الله بودن انسان، مسأله پیشرفت به عنوان مسأله

تاریخی دوران معاصر در نسبت با کرامت انسان و حقوق او از جمله حقوق شهروندی در بستر یک سرزمین و جامعه سیاسی را مورد بحث قرار می‌دهد. این جامعه سیاسی که تبلور آن در آن مقطع، لبنان است با وحدت ملی و همبستگی ملی در کنار همزیستی پیروان ادیان مختلف، هسته یک جامعه همبسته و مقاوم را پدید می‌آورد که در مقابل الحاد و روابط سلطه‌جویانه ناشی از آن، ایستادگی و مقاومت می‌کند. این مهم در سطح نظری، مستلزم تبیین مبانی اصولی همچون آزادی و اختیار انسان و نقش او در تاریخ و جامعه، و نیز عدالت است. همه این مفاهیم در منظومه‌ای تحت عنوان الهیات مقاومت که با تقریر امام صدر وجهی انسان‌گرایانه و معاصر دارد، گرد هم می‌آیند.

منابع

قرآن کریم.

- آجورلو، حسین (۱۳۹۴). هندسه امام موسی صدر برای آزادی فلسطین. *مطالعات راهبردی جهان اسلام*، ۶۱: ص ۱۰۷-۱۲۶. بوکریم، منصور (۲۰۱۶). *تطور مفهوم المقاومة في الفكر السياسي الوطني الفلسطيني (حركة فتح نموذجًا) رسالة ماجستير*. غزة: جامعة الأزهر.
- بیگلری، احمد (۱۴۰۰). *حقوق شهروندی و کرامت انسان در اندیشه اسلامی معاصر*. تهران: پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی.
- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال؛ آجورلو، حسین (۱۳۹۱). تحلیل پیشانظری از الگوی جامعه مقاوم برای حفظ انقلاب اسلامی. *پژوهش‌های انقلاب اسلامی*، ۱(۲): ص ۹-۳۴.
- رضی، شریف ابوالحسن (۱۳۹۵ق). *نهج البلاغه*. ضبط نصّه و ابتکر فهارسه العلمیة الدكتور صبحی الصالح. قم: مرکز البحوث الاسلامیة.
- زاهدی تیر، اصغر؛ امین ناجی، محمدهادی (۱۳۹۸). بررسی مفهوم مقاومت با رویکرد اجتماعی در آیات قرآن. *مطالعات تفسیری*، ۱۰(۳۸): ص ۲۲۱-۲۳۶.
- صدر، سید موسی (۱۳۸۳). *نای و نوبی*. به اهتمام و ترجمه علی حجتی کرمانی. تهران: مؤسسه فرهنگی - تحقیقاتی امام موسی صدر.
- صدر، سید موسی (۱۳۸۷). *عدالت در اسلام*. ترجمه مهدی فرخیان. تهران: مؤسسه نشر شهر.
- صدر، سید موسی (۲۰۱۴). *مسیرة الإمام السید موسی الصدر*. إعداد و تحقیق یعقوب حسن ضاهر. بیروت: دار بلال للطباعة والنشر، ج ۱، ۳، ۵، ۸، ۱۰، ۱۱.
- لکزایی، شریف (۱۳۸۴). فکر سیاسی امام موسی صدر. *علوم سیاسی*، شماره ۲۹: ص ۱۸۵-۲۲۰.
- لکزایی، شریف (۱۳۹۹). *درآمدی بر اندیشه سیاسی امام موسی صدر*. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- مسعودی، عارف (۱۴۰۱). *تأملی در تحول مفهوم مقاومت از مشروطیت تا بهلولی اول*. در: عارف مسعودی و مختار نوری، گفتارهایی درباره مشروطه ایرانی. تهران: شرکت هزاره سوم اندیشه.
- موسوی، سید صادق (۲۰۱۰). *التأسيس لاختيار المواطنة والأمة في الخطاب اللبناني الشيعي*. المنهاج، ۵۶.
- میرقادری، سید فضل‌الله؛ کیانی، حسین (۱۳۹۱). *بن‌مایه‌های ادبیات مقاومت در قرآن*. *مطالعات ادبی متون اسلامی*، شماره ۱: ص ۹۵-۶۹.
- همتی، همایون (۱۳۹۰). بررسی ساختار و کارکرد دانش الهیات. *معرفت ادیان*، ۲: ص ۲۷-۴۲.
- یون، تودور رون (۱۳۷۹). *الهیات سیاسی؛ در مقدمه‌ای بر الهیات معاصر*. ترجمه و تدوین همایون همتی. تهران: نقش جهان.
- Muller, J.-W. (2014). *On Conceptual History*. In: *Rethinking Modern European Intellectual History*, by Darrin M. McMahon & Samuel Moyn. Oxford University Press.